انترناسیونال۶۲۳

کاظم نیکخواه

**صدای انسانیت از عراق پسا نظم نوینی**

خیزش مردم عراق در هفته های اخیر بحق بازتاب گسترده ای در سطح جهان پیدا کرده است. این اعتراضات و تجمعات اکنون حالت منظمی به خود گرفته و هر هفته روزهای جمعه در شهرهای متعددی مردم صدها هزار نفره به خیابان می آیند و خطرات جدی ای را به جان میخرند تا صدایشان را بلند کنند و به دستجات حاکم نه بگویند. در هفته های اخیر از جمله در شهرهای بغداد، بصره، دیوانیه، کوفه، شطره، کربلا، نجف، بعقوبه، عماره،‌ سماوه، ناصریه، حله، کوت، خانقین و بابل و چندین شهر دیگر تجمع و تظاهرات و سخنرانی صورت گرفته است. اعتراضات فقط به صورت تظاهرات خیابانی نیست. اعتصابات متعدد کارگری نیز در نقاط مختلف و با خواستهای پیشرویی در جریان بوده است. تا همین چند ماه پیش تصور اینکه در عراق لت و پار شده مردم بیرون بریزند و با شعارهای پیشرو مدرن دست به تظاهرات بزنند به دلایل متعددی قابل تصور نبود. اولا شرایط جنگ و بمب و فضای ترور و کشتار چنین تجمعاتی را غیر قابل تصور مینمود، و ثانیا رسانه های متعدد و بویژه رسانه های رسمی تصویری که میدادند این بود که مردم عراق یا به دستجات سنی یا شیعه یا بعثی و یا دیگر ناسیونالیستهای مختلف تعلق دارند و خارج از این دسته بندی های عقب مانده و مغایر انسانیت کس دیگری در عراق وجود ندارد. با اعتراضات و تظاهراتهای میلیونی مردم بغداد و کربلا و دهها شهر دیگر عراق این تصویر شکسته شد. ابعاد تظاهرات بحدی بود که هیچ رسانه جدی ای نمیتوانست آنرا نادیده بگیرد یا بایکوت کند. دنیا این روزها و بعد از سالها فضای نظم نوینی، عراق دیگری را دارد مشاهده میکند. عراق انقلابی، عراقی که فریادش "نه شیعه و نه سنی" است. عراقی که به همه دولتها و دستجات مرتجع نه میگوید و زندگی انسانی و مدرن و آزاد و مرفه را طلب میکند. این عراقی است که به انقلابات مصر و تونس و کشورهای شمال آفریقا هم صدا شده است.

**نه شیعه، نه سنی، حکومت مدنی**

این یکی از شعارهای کلیدی تظاهراتهای مردم عراق است. روشن است که شعارهای متعددی در تظاهرات فریاد زده میشود یا بر پلاکاردها نقش بسته است که هرکدام جایگاه و اهمیت ویژه خودرا دارد. از جمله شعار انحلال پارلمان، یا شعار "نان آزادی دولت مدنی" و شعارهای دیگر. اما این شعار کلیدی ترین شعار تظاهراتهاست. اگر این شعار را بطور مجرد ارزیابی کنیم معنایی فراتر از یک جامعه و سیستم سکولار و لیبرال و سرمایه دارانه معادل برخی جوامع خاکستری موجود بدست نمی آید. کم نیستند افراد و جریانات حاشیه ای که بر همین اساس بر کل حرکت مردم خط بطلان میکشند و نشان میدهند که به دنیای امروز ربطی ندارند. اما در عراق امروز این شعار یک شعار کاملا انقلابی و مهم است. این شعاری است که عزم مردم شریف و متمدن عراق برای پایان دادن به کل دسته بندی ها ورقابتها و جنگها و عقب ماندگی های حاکم در عراق امروز را بیان میکند. تردیدی نیست که مردمی که بدون سلاح و با دست خالی علیه تروریستهای رنگارنگ فریاد میزنند، ریسک و خطرات جدی ای را بجان میخرند. این شعار و کل تظاهراتها از این نظر بیانگر عزم و شجاعت و جسارت جدی مردم این کشور برای پایان دادن به جهنم موجود است. اما فراتر از این نفس این شعار در عراق امروز بسیار مهم است. این شعار در واقع شعار سرنگونی و انقلاب در عراق امروز است. در عراق یک دولت یکپارچه و جدی سرکار نیست. در هر شهر و روستا و نهاد و منطقه ای، یک باند و دسته حکمروایی و یکه تازی میکند. عراق زیر چکمه انواع نیروهای مسلح خونخوار و جنایتکار لت و پار شده است. دستجات قوم گرا و اسلامی و تروریست که اکثرا وابسته به دولتهای آمریکا و ترکیه و جمهوری اسلامی و عربستان و شرکا هستند در رقابتی خونین جامعه عراق را به حمام خون تبدیل کرده اند. در این اوضاع قهقرا و کشاکش و باندها و دستجات مسلح، برای مردم روشن است که صرف سرنگون کردن دولت عبادی معنای عملی چندانی ندارد. چون دولت عبادی یک دولت پوشالی است. مردم باید علاوه بر عبادی، مقتدا صدر و سیستانی و قاسم سلیمانی و بعثی ها و داعش و دهها باند و دسته دیگر را سرنگون کنند یعنی از مناطق و نهادهای مختلف جارو کنند تا بتوانند مهار اوضاع را بدست بگیرند و از جهنم موجود خلاص شوند. شعار "نه شیعه نه سنی ..." یعنی مرگ بر همه اینها! به عبارت دیگر این شعار بطور موجزی هدف و آمال مردم عراق علیه همه این دستجات کثیف و خونخوار را بیان میکند. این شعار بیانگر اینست که حدود دو دهه تلاش و سیاست خونین نظم نوینی فرقه بندی و قوم و مذهب ستایی نتوانسته است مردم را مسخ کند و از انسانیت تهی کند. به همین دلیل معنای عملی این شعار در عراق امروز از یک شعار صرفا لیبرالی یا سکولاریستی فراتر میرود. این شعار پر چم انقلاب آتی در عراق پسا نظم نوینی است.

سرنوشت تظاهرات و اعتراضات موجود در عراق هنوز روشن نیست. این جنبش و حرکتها از رهبری و سازمان و حزب انقلابی برخوردار نیست و به همین دلیل تداوم و پیروزی آن زیر سوال جدی است. روشن است که گردانندگان دولت و باندهای قومی و مذهبی محتاط تر شده اند و روی نیروی مردم ناچارند حساب باز کنند و نگران آینده خویش باشند. اما برای ادامه تظاهرات و پیروزهای جدی تر پیش شرطهای جدی تری لازم است. شخصیتها و افراد پیشرو در این تظاهراتها کم نیستند. اما مردم هم به حزبی با سیاست و برنامه و پلاتفرم رادیکال و پیشرو و در عین حال توانا و اجتماعی نیاز دارند و هم به سازمان و سلاح و نقشه نیازمندند. مردم اگر بخواهند باندهای مسلح را کاملا بیرون برانند باید خود سازمان یابند و مسلح شوند و محلات و شهرهای مختلف را یکی یکی از چنگ آنها بیرون بکشند و شوراها و حاکمیت خودرا برقرار کنند. بنابر این هنوز نتیجه گیری در مورد سرنوشت این تظاهراتها زود است. طبعا گفتن اینها ساده است. اما در عراق امروز هیچ چیز ساده ای وجود ندارد. اما یک چیز روشن است. و آن اینکه تا همینجا این جنبش اعتراضی و انقلابی ای که در عراق شکل گرفته تاثیر عظیمی بر فضای نه فقط عراق بلکه کل منطقه و دنیا داشته است. تا همینجا میتوان گفت که صحنه عوض شده است. فضای امید و انسانگرایی بدرجه زیادی احیا شده است. مردم متوجه میشوند که پایان دادن به این دوره سیاه و تاریک که جنایت و قهقرا به زشت ترین شکل خود توسط دولتهای سرمایه داری به میدان کشیده شد تا بشریت را منکوب و تسلیم کند، کاملا عملی و ممکن است و ارتجاع سرمایه داری حتی در کشوری مثل عراق نتوانسته است با اینهمه جنایت و توحش صدای پیشرو و انسانی را خاموش سازد. این تا همینجا یکی از دستاوردهای مهم خیزش مردم عراق است.